

منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد با هدف ثبت تصاویر حماسه حضور مردم در شب‌های ایستادگی دوران جنگ رمضان، جشنواره ملی عکس «روایت میدان» را برگزار می‌کند. این رویداد هنری تلاش دارد روایت ۵۰روز پایداری ملت ایران دربرابر هجمه‌های دشمنان را به تصویر بکشد. شرکت در این رقابت برای تمامی شهروندان ۴۰تا ۱۸ساله کشور در دو بخش حرفه‌ای و آماتور (موبایلی)

آغاز جشنواره عکس «روایت میدان»

آزاد است.
علاقه‌مندان می‌توانند حداکثر ۱۰ اثر خود را با فرمت JPG و حجم ۵مگابایت، تا پایان خردادماه جاری به همراه مشخصات کامل از طریق پیام‌رسان «بله» به شماره ۹۹۲۰۹۱۲۵۴۴ ارسال نمایند.
اعمال ویرایش‌های متعارف روی تصاویر مجاز است، اما عکاسی از چهره‌ها و نیروهای نظامی در تجمعات ممنوع خواهد بود.
در بخش موبایلی، ۴۰ جایزه نقدی ۲۰میلیون ریالی به همراه

تئاتر اجتماعی باطعم شاعرانگی

مهدوی، کارگردان تئاتر: دوست دارم شاعرانگی و عشق را با همین شکل اجرا در یک فضای واقعی به مخاطبان منتقل کنم



شهر برخلاف تبلیغات، جای دعوا، فحاشی و چاقوکشی نیست بلکه گاهی ممکن است داخل این آدم‌ها کسانی را پیداکنید که عشق‌شان بسیار قابل احترام است و این را از نمایشنامه عروسی خون دریافت کردم.

۹] ادبیات دیالوگ نویسی این نمایش، خاص و در بخش هایی آهنگین و با تکرار همراه است که فرم اجرا را می سازد. چطور به این سبک اجرا رسیدید؟

در گذشته در همین سالن، نمایش ناتوالیستی (طبیعت‌گرا و شبیه رئالیسم) «آوازهای سرشام» اجرا کردم که شبیه به همین نمایش بود اما تا این اندازه دیالوگ‌ها آهنگین و شاعرانه نبود. این بار چون می‌دانستم قرار است متن را چطور کارگردانی کنم، تاکید داشتم دیالوگ‌ها در بعضی بخش‌ها آهنگین شود و با کلمات بازی کنم. خیلی تلاش می‌کردم که ریشه دیالوگ‌ها را از فرهنگ لغت دریاورم، مثل این دیالوگ: «موقعی که ما خاص بودیم، شما زاپاس بودید». در عین حال با جملاتی مانند«هیچ عاشقی در تاریکی نمی‌ماند» حواسم به برداشت از عروسی خون بود، چون به شدت شاعرانه است. همه تلاشم این بود که فضای دیالوگ نویسی هم به جنوب شهر نزدیک باشد هم موقع کارگردانی، سیاهی موجود در اثر اصلی را از بین ببرم. گاهی قاب‌هایی در نمایش تشکیل می‌شود و بازیگران در آن دیالوگ می‌گویند و از این راه سعی کردم یادآوری کنم زندگی بچه‌های جنوب شهر، شبیه قاب عکس است و ما نیستیم که این قاب عکس را ببینیم، به همین دلیل، میزانشن‌های ما شبیه قاب است؛ یعنی یک نفر جلو و بقیه در پشت او هستند و در صحنه یابانی هم

انگار همه در حال عکس گرفتن هستند. می‌خواهم یادآوری کنم زندگی خانواده‌های جنوب شهر، مملو از قاب عکس است. پله‌های موجود در صحنه نشانه این است که دنیای عاشقانه شخصیت‌ها دائم در حال بالاوپایین شدن است. حتی نوره‌ای طراحی شده نشانه این بود که هر کدام از صحنه‌های زندگی شخصیت‌ها، نماد یک رنگ است چون ما قصد داشتیم سیاهی را از آن بگیریم و رنگ‌ها را به آن تزریق کنیم.

۴] در مورد تکرار سال‌های مختلف که با صدای بلند گفته می‌شود، تکرار بعضی دیالوگ‌ها و مستقیم نبودن برخی دیگر هم صحبت کنید.

بعضی اوقات در کارگردانی برخی عناصر کارکرد دارند که کمتر در کلاس‌های کارگردانی به آن می‌پردازند؛ یکی از این عناصر، تکرار است که تماشاگر را درگیر این سوال می‌کند که چرا [این تکرار] اتفاق می‌افتد؟ من تلاش کردم تکرار داشته باشم و یادآوری کنم درون بچه‌های جنوب شهر و خانواده‌ها، چیزی وجود دارد که گاهی با آرامش و گاهی با خشونت بروزش می‌دهند؛ مثل این جمله: «احترامت رو بده نگه دارم، اما احترام سنگینی داری، زود برگرد.» به هر حال، یکی از این دورا به شخص مورد خطابش گفته و چنین حرفی می‌تواند به ۱۰ شکل مختلف گفته شود اما ما همین دو شکل بیان را به مخاطب گفتیم؛ به عبارت دیگر، حرفی که آدم‌ها می‌گویند یا واقعا از درون‌شان می‌آید یا این که حرف درون‌شان پیش خودشان می‌ماند. هدف از تکرار سال‌ها با صدای بلند که در نمایشنامه عروسی خون هم وجود دارد، بیان این موضوع است که نظام بر

پایه سنت و مدرنیته انگار هیچ وقت نمی‌خواهد تغییر کند. ما هم قصد داشتیم این را یادآوری کنیم که دیدگاه‌های سنتی غیرمحبوب با گذر سال‌ها تغییر نمی‌کند و همیشه رگه‌هایی از آن در زمان حال وجود دارد. چنین دیدگاه‌هایی فرصت تجربه و اشتباه کردن را از آدم‌ها می‌گیرد. درباره مستقیم نبودن بعضی دیالوگ‌ها نیز می‌توانیم بگوییم که بخشی از فرم اجراست. برای حفظ این فرم، دیالوگ بازیگران در بعضی بخش‌ها رو به تماشاگران بود تا قاب مورد نظر ما ساخته شود؛ در غیر این صورت، در بسیاری از بخش‌ها دیالوگ‌ها مستقیم اجرا می‌شد. از جهتی هم دوست نداشتم فضای ناتوالیستی نمایش برجسته شود، چون در این صورت رنگ‌ها خیلی سیاه یا دکور، کثیف ـ به خاطر فضای کشتارگاه ـ می‌شد.

۴] طنز جذابی در گفتار مادر خانواده و همچنین لهجه مشهدی داخل نمایش وجود دارد. این چطور طراحی شد؟

شخصیت‌های ما داخل محله کشتارگاه و نازی‌آباد هستند و همه گویش شبیه به هم دارند و این ایده را مطرح کردم که عروس خانواده یعنی شخصیت نوشابه می‌تواند با لهجه متفاوتی صحبت کند؛ چون باید علت منطقی برای ازدواج یا پسر خانواده یعنی اشترا وجود داشته باشد. لهجه مشهدی از روز سوم اجاره‌به‌کار اضافه شد؛ چون در آغاز مخالف بودیم و بعد قرار شد اجرا شود تا نظرم‌ان را بگویم و زمانی که خوب شد موافقت کردیم. شخصیت عذرا یعنی مادر خانواده شوخی‌های شیرینی دارد که در گذشته همراه با این



جوابز نفیس غیرنقدی برای برگزیدگان پیش‌بینی شده است. همچنین در بخش حرفه‌ای، به نفرات اول تا سوم به ترتیب مبالغ ۲۰۰، ۱۲۰ و ۸۰ میلیون ریال جایزه نقدی اهدا می‌شود. این رویداد، بستری ارزشمند برای ثبت دقیق خاطرات جمعی، ترویج فرهنگ مقاومت و پایداری و ماندگارسازی جلوه‌های حماسه‌های مردمی در تاریخ معاصر کشور عزیزمان ایران به شمار می‌آید.



نسرین بختیاری گروه فرهنگ و هنر

این روزها در فضای پس از آتش‌بس شرایط اقتصادی فرهنگ و هنر به خصوص تئاتر با مشکلاتی روبه‌رو شده و بسیاری از گروه‌های تئاتری تمرین‌های‌شان به دو مقطع قبل و بعد از جنگ

تقسیم می‌شود که این در مورد نمایش «کشتارگاه» به کارگردانی کاوه مهدوی که در سالن ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود صدق می‌کند. تئاتر و زندگی روزمره مردم به رغم تمام مشقت‌های مختلف همچنان جریان دارد. این نمایش در ژانر درام اجتماعی است و حول یک شب «بله‌برون» می‌چرخد، شبی که داستان از ناپدیدشدن عروس آغاز می‌شود. کشتارگاه اقتباس آزادی از نمایشنامه «عروسی خون» فدریکو گارسیا لورکااست، با این تفاوت که شخصیت‌های آن بومی و وطنی و ساکن جنوب شهر هستند. مهدوی در این نمایش سعی کرده با دیالوگ‌های خاص، زیبا و آهنگین و همچنین تکرار آنها و لحن طنزی که به چند شخصیت نمایش بخشیده، داستان را از تلخی ذاتی‌اش خارج کند که به نظر موفق بوده و تماشاگران بسیاری را با خود همراه کرده است. مهدوی پیش از این نمایش‌هایی چون «آوازهای سرشام» را در مقام کارگردان در کارنامه دارد. اجرای این نمایش بهانه‌ای شد تا با این کارگردان گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

۹] ایده نمایش از کجا به ذهن شما خطور کرد و چطور تصمیم گرفتید اقتباسی از «عروسی خون» گارسیا لورکا داشته باشید؟

من ۱۲سال پیش نمایشنامه «جوادیه» را نوشتم که رگه‌هایی از این نمایش را در خودش داشت. همزمان یکی از دوستان گفت که چنین نمایشی در حال اجراست و تصمیم گرفتم نام آن «کشتارگاه» باشد. در ابتدا متن این بستر را نداشتم که اقتباسی از عروسی خون باشد بلکه سه خانواده بودند که در شب عروسی نوه‌شان زلزله می‌آمد. از همان جا تصمیم گرفتم متن را به عروسی خون نزدیک کنم؛ یعنی به‌گونه‌ای که تصمیم عروس عوض می‌شود و آنچه درونش وجود دارد را برون ریزی می‌کند. در سال‌هایی که متن را می‌نوشتم و ویرایش می‌کردم، به تدریج سه خانواده به دو خانواده رسیدند. در عروسی خون، خانواده‌ها در مرحله عروسی هستند، اما در کشتارگاه در مرحله بله‌برون هستند. می‌خواستم با اجرای این کار نشان دهم که جنوب



عشق و شاعرانگی در «کشتارگاه»

کاوه مهدوی، کارگردان نمایش «کشتارگاه» در پاسخ به این پرسش که مخاطبان شما چه کسانی هستند و انتقال چه موضوعی بیش از هر چیز به مخاطبان برای شما اهمیت دارد، به جام جم گفت: «هیچ‌گاه مخاطبانم را دسته‌بندی نکردم تا بگویم کسانی که برای‌شان کمدی یا نوستالژی اهمیت دارد، نمایش را ببینند. معتقدم هر کاری مخاطبان خود را پیدا می‌کند و این نمایش به پیشهاد جشنواره شهر اجرا شد؛ اما فکر می‌کنم این نمایش برای بچه‌های منطقه کشتارگاه تهران جذاب باشد؛ چون بارها شنیدم که نظیر اتفاقات

این نمایش در خانواده خودشان رخ داده است. بنابراین، هر خانواده‌ای می‌تواند مخاطب نمایش ما باشد. دوست دارم شاعرانگی و عشق را با همین شکل اجرا در یک فضای به شدت واقعی که شیرینی‌هایی هم دارد، به مخاطبان منتقل کنم. معتقدم کسی که در کشتارگاه کار و زندگی می‌کند، لزوماً فرد خشنی نیست و شاید در خلوت خودش آدم مهربان و لطیفی باشد و عشقی راستین میان‌شان جاری است. چنین فردی ممکن است ایبانی مانند «رشت باید دید و انگارید خوب/ زهر باید خورد و انگارید قند» را از رابعه بلخی که برای اولین بار می‌شنود به خاطر بسپارد.



است؟

فرهنگ

CULTURE

شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۲۸

یادداشت

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایران و روایت اول

جنگ روایت‌ها تنها یکی از ابعاد جنگ ترکیبی رمضان است؛ مدت‌ها بود که می‌اندیشیدیم پژوهشگاه علوم انسانی به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز پژوهشی کشور چگونه و با کدام شیوه می‌تواند ارتباط عمیق‌تری با مردم پیدا کند؟ دراین راستا، برپایی موکب‌هایی در سطح شهرها ایده خوبی بود؛ از این منظر که می‌توانستیم در این موکب‌ها به ارائه آن کتاب‌هایی بپردازیم که به‌کارشان بیاید. در چنین فضایی بود که همکاران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌صورت خودجوش به نوشتن مطالب چکیده‌وار و گرین‌گویه درباره جنگ رمضان پرداختند و ضمن بررسی و واش‌کافی ابعاد این جنگ، از افق‌های گوناگونی بررسی و تحلیلش کردند. کتاب را تالیف کردیم تا ما نیز سهمی در دفاع مقدس داشته باشیم و نقشی البته به‌قدر وسع خود در این جهاد ایفا کنیم. نبردی که دشمن علیه ایران به‌راه‌انداخت، از نوع نبردهای معمول نیست و فقط محدود به کنش‌گری نظامی نبود بلکه کارزار دشمن با ایران، یک جنگ ترکیبی است. جنگ ترکیبی، ابعاد مختلفی دارد و جنگ روایت‌ها از مهم‌ترین این ابعاد است؛ از همین رو، برای این کتاب، با مشورت همکاران، نام «روایت اول» را برگزیدیم؛ تا بدین وسیله بتوانیم نشان دهیم نسبت به بیگانگان در جنگ روایت‌ها بایستی اول باشیم.

همچنین یک نسبت منطقی بین اضلاع مثلث اسلام، ایران و انقلاب برقرار کردیم که در مقابل مثلث شوم آمریکایی- صهیونی (ارتجاع منطقه، اسلام آمریکایی و خودباختگان داخلی و قرار دارد. البته قسمتی از این‌ها هم جریان سلطنتی و ارتجاع خارج از کشور هستند. این دو مثلث در کنار هم قرار دارند و این کتاب سعی کرده روشن‌گرانه به همین تفاوت بپردازد و آن را به‌خوبی نشان دهد.

جامعه علمی (پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و ...) یک جنبه این مثلث است و دراین‌باره اعتقاد داریم که هنوز در دوران بلوغ به‌سر می‌بریم اما در همین باره، می‌بینیم که ضلع دیگر مثلث، مدام در ذهن مردم پمپاژ می‌کند؛ شما در دوره افول هستید، اگر ما با واقع‌گرایی باور کنیم که در دوره بلوغ هستیم، به این معناست که درحقیقت به کشورمان خدمت می‌رسانیم و برعکس، اگر کشورمان را در حال افول بینداریم، بی‌شک، در موقعیتی قرار می‌گیریم که نامی‌ندارد مگر خیانت.

باید دقت کرد؛ ملت‌ها در هر دورانی این فرصت را ندارند که به تشخیص درست خط «خدمت‌وخیانت» و «بلوغ‌وافول» برسند اما همین جنگ رمضان باعث شد ما بتوانیم دو قطب خدمت یا خیانت و افول یا بلوغ را شفاف و خوب شناسیم و متوجه شویم. یادمان باشد در حوادث دی‌ماه سال گذشته که این شفافیت از بین رفت، چه وقایع تیره‌وتاری در کشور رخ داد. به‌هر حال جنگ رمضان باعث شد این شفافیت به‌وجود بیاید و این غبار از بین برود.

«روایت اول» می‌گوید ایران «اول» است، همچنان‌که تاریخش همین را گواهی می‌دهد؛ در مقابل زورگویان، همیشه اول بوده و یک‌بار دیگر در جنگ مقدس رمضان، با تحقیر غربی‌ها نشان دادیم که ایرانیان دوباره می‌توانند غرب را مثل گذشته‌های تاریخی‌شان تحقیر کنند و ما پژوهشگاهیان مفتخریم که این تحقیر را به ثبت برسانیم، ما مفتخریم که در این برهه تاریخی، جزئی از این ملت فهیم هستیم.

فرهنگ پلاس

مقابله با امپریالیسم فرهنگی

برای بسیاری از تماشاگران سینما در کشورهای مختلف جهان، نام ویتنام یادآور خاطرات مربوط به جنگ طولانی این کشور با ارتش متجاوز آمریکا در دهه ۷۰ میلادی و دوباره شدن آن به دو کشور ویتنام شمالی و جنوبی برای یک دوره تاریخی است. نیروهای چریک و مبارز ویت‌کنگ طی چند سال در مقابل ارتش تا دندان مسلح آمریکا ایستادگی کردند و بالاخره توانستند با بیرون راندن نیروهای آن، به استقلال سیاسی دست یابند و دوباره کشور را متحد و یکپارچه کنند. کتاب‌های تاریخ پر از بخش‌هایی است درباره مقاومت دلیرانه مردم ویتنام در برابر امپریالیسم. حالا سال‌ها بعد از آن مبارزات و در دورانی که ملخ در ویتنام حاکم شده و مردم آن همچنان در حال بازسازی بخش‌های مختلف آن هستند، رسانه‌های گروهی کشور صحبت از نبردی دیگر در جبهه‌ای متفاوت با آمریکا می‌کنند.

کیواکداواکن کنید

ادبیات

از شهروند آنتی تاریخیت بغداد

کتاب «بازخوانی نهضت ترجمه» تألیف امیرحسین ساکت و رضا مختاری خوبی، توسط مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل-دانشگاه تهران منتشر شد. این اثر پژوهشی ۲۵۰صفحه‌ای از رویکردی انتقادی

به واکاوی انتقال میراث فلسفی یونان به جهان اسلام می‌پردازد. نویسندگان در این اثر تأکید دارند که نهضت ترجمه نه صرفاً یک حرکت علمی بلکه واکنشی به ضرورت‌های سیاسی و ایدئولوژیک حاکمان اموی و عباسی بوده است. کتاب با ردیابی مسیر انتقال دانش از جندی شاپور تا بغداد، نقش محوری مترجمان مسیحی و حرانی را در این فرآیند تبیین می‌کند. از برجسته‌ترین مباحث کتاب، بررسی چرایی غلبه آثار ارسطو بر افلاطون و بازتعریف مفاهیم سیاسی یونان در بستر خلافت است؛ جایی که مفهوم «شهروند» در گذار به عالم اسلامی دچار دگرگونی شده و به «رعیت» بدل می‌شود. در نهایت، این پژوهش با مقایسه وضعیت ترجمه در جهان اسلام و مسیحیت، بر آزادی عمل بی‌نظیر و حمایت‌های گسترده دولتی در تمدن اسلامی تأکید می‌ورزد.



سینما

«مهمان شرقی» در راه جشنواره فجر



ابراهیم اصغری، تهیه‌کننده باسابقه سینما با پروژه جدید خود تحت عنوان «مهمان شرقی» به اتمسفر وقایع اخیر و ژانر اجتماعی بازمی‌گردد. این فیلم که قرار است تابستان امسال مقابل دوربین برود، روایتگر حوادث یک سال گذشته با تمرکز بر فضای جنگ رمضان است. اصغری که آثاری چون «تک‌تیرانداز» و «شماره ۱۰» را در کارنامه دارد، این بار درصدد است اثر جدید خود را برای رقابت در چهل و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر آماده کند. طبق گزارش‌ها، فهرست بازیگران این فیلم تا یک ماه آینده نهایی خواهد شد. همچنین رایزنی با دو کارگردان سرشناس برای هدایت این پروژه در جریان است تا پس از توافق نهایی، یکی از آنها پشت دوربین قرار گیرد. سلاح این نبرد نه تفنگ و نارنجک، که دوربین و فیلم خام است و جنگندگان نه در یک یا دو خط جبهه جنگ، که در سراسر کشور مشغول مبارزه هستند.